

راهبردهای منطقه‌گرایی ایران در قفقاز در برابر روسیه بر اساس تئوری بازی‌ها

مصطفی هاشمی^۱، ریواز قربانی نژاد*^۲، کیومرث یزدان پناه^۳، محمدحسن نامی^۴
^۱ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استادیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۳ دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
^۴ استادیار دانشگاه علوم و فنون فارابی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

تغییرات ژئوپلیتیکی عمیق در قفقاز جنوبی تأثیر قابل توجهی بر روابط ایران و سه جمهوری ارمنستان، آذربایجان و گرجستان داشته است. موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی این منطقه را به یکی از مهم‌ترین مناطق در جهان تبدیل کرده است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل روابط تاریخی و پیوندهای اجتماعی - فرهنگی با مردم منطقه، همکاری‌های سیاسی - اقتصادی را با آن‌ها گسترش داده است. حضور فعال بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر این رابطه تأثیر مستقیم گذاشته است. این پژوهش به دنبال گزینش راهبرد مؤثر نیل به منطقه‌گرایی ایران در قفقاز در برابر روسیه و طرح راهبرد های عملیاتی به روش تئوری بازی‌ها است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی - تحلیلی و اکتشافی است که در آن برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق به صورت توأمان از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی شامل مصاحبه با نخبگان استفاده شده است. در این پژوهش جامعه‌ی آماری، شامل مجموعه‌ای متشکل از متخصصان جغرافیای سیاسی، مسئولین سازمان‌های مرتبط و نهادهای ذی‌ربط بوده‌اند که علاوه بر بخش گردآوری اطلاعات، در دیگر بخش‌ها مانند (مصاحبه و پرسشنامه) یاری رسانده‌اند. در این پژوهش سعی شده راهبرد مؤثر نیل به منطقه‌گرایی ایران در قفقاز در برابر روسیه در این منطقه پرداخته شود. سپس نتایج حاصل تحلیل آماری در قالب تئوری بازی‌ها به اجرا گذاشته شده است؛ بنابراین ایران برای پیش برد اهداف خود در منطقه قفقاز باید نگرش‌های ایدئولوژیک خود در سیاست خارجی را در منطقه قفقاز بازنگری کند و با رویکردی مبتنی بر اقتصاد و تکیه بر ریشه‌های تاریخی راهبردهای عملیاتی را تدوین نماید.

کلید واژه‌ها: ایران، منطقه‌گرایی، فدراسیون روسیه، قفقاز جنوبی، تئوری بازی‌ها، راهبرد

۱-مقدمه

در دوران پس از آن به دلایل مختلف ایران از نقش آفرینی جدی در منطقه قفقاز جاماند درحالی که عوامل مختلفی برای این امر وجود دارد از جمله عدم روابط مداوم دیپلماتیک و روابط عمومی ضعیف ایران و دیپلماسی و ارتباطات نادرست نقش خود را در ایجاد چنین شرایطی ایفا کرده‌اند (Buzan, 1991:435). مهم‌ترین عامل در ایجاد چنین معضل پیچیدگی سیاست خارجی ایران است که اغلب مخالف است قوانین معمول تجزیه و تحلیل و بررسی و مدل‌سازی آن را دشوار می‌کند. یکی از دلایل چنین پیچیدگی موقعیت خاص ژئواستراتژیک ایران است (Buzan, 1998:75). ایران در چهارراه اوراسیا، در دو مسیر مهم دریایی جهان قرار دارد: خلیج فارس در جنوب و دریای خزر در شمال، هر دو محل قابل توجهی هستند حجم منابع باارزش هیدروکربن (Ehteshami, 1994:43). از این رو، ایران به‌عنوان یک پل زمینی به هم متصل می‌شود آسیای میانه و قفقاز تا منطقه فرعی خلیج فارس، از یک سو از طرف دیگر، مدیترانه و شام به آسیای جنوبی (Ehteshami, 2002:386). به همین ترتیب، ایران مستقیماً درگیر است و تحت تأثیر، تحولات ژئوپلیتیکی چهار منطقه مذکور قرار دارد. در همین حال، پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که منجر به تحولات قابل توجهی در سیستم بین‌المللی، تغییرات قابل توجهی را در سطح منطقه با ایجاد کرد عواقب سنگین برای کشورهای همسایه (Mozaffari, 2016:81). از جمله این تغییرات بود ظهور کشورهای مستقل جدید و تکامل آسیای میانه و قفقاز جنوبی به یک منطقه حائل بین ایران، ترکیه و روسیه تبدیل شود. منطقه کوچک قفقاز جنوبی یک مجموعه فرعی در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی است، جایی که نه تنها راهبرد ها و اتحادها به هم وابسته هستند بلکه منازعات حل‌نشده تأثیر بسزایی در هر دو حوزه سیاست‌ها و راهبرد های سیاست خارجی دارد (Akiner and other, 2002:594). حضور بازیکنان خارجی متعدد و رقابت آن‌ها برای کنترل ژئوپلیتیکی این گوشه راهبردی جهانی، منابع هیدروکربن منجر به پدیده‌ای شد که بسیاری از تحلیلگران آن را نشان‌گذاری کردند به نام بازی بزرگ جدید، درحالی که وضعیت حقوقی حل‌شده دریای خزر و در نتیجه منابع هیدروکربنی آن صحنه ژئوپلیتیک منطقه را برای دهه‌ها پیچیده‌تر کرده است (Hooglund, 1994:121). هدف تأمین درک بهتری از اولویت‌ها و رفتارهای سیاست خارجی ایران، ریشه‌های تداوم و عوامل تغییر در یک زمینه منطقه‌ای است، این پژوهش کاربرد و پیامدهای آن را ارزیابی کرده است. بنابراین پژوهش حاضر درصدد بررسی راهبرد های عملیاتی موردنیاز در منطقه قفقاز سیاست منطقه‌گرایی است.

۲-مواد و روش‌ها

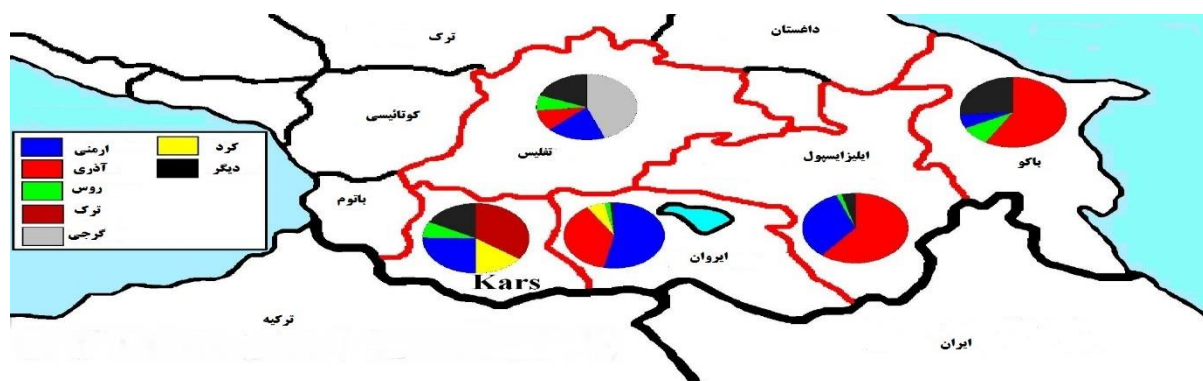
۲-۱-معرفی محدوده مورد مطالعه

منظور از قفقاز سرزمین کوهستانی است که مابین دریای سیاه و بحر خزر محصور است و از شمال به مرزهای سرد روسیه جنوبی و از جنوب به فلات‌های ایران و آناتولی محدود می‌شود. این منطقه توسط کوه‌های قفقاز کبیر به دو منطقه جداگانه تقسیم شده است. (کاظم‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۶)



نقشه-۱: ساختار سیاسی منطقه قفقاز (<http://www.etomesto.ru>)

قفقاز جنوبی از شمال به رشته‌کوه‌های قفقاز بزرگ، از شرق به دریای مازندران، از جنوب به ایران، از جنوب غربی به ترکیه و از غرب به دریای سیاه متصل می‌گردد. قفقاز جنوبی در حال حاضر به سه جمهوری مستقل به نام‌های آذربایجان در جنوب شرقی و شرق، ارمنستان در جنوب غربی و جنوب و گرجستان در شمال غربی و غرب آن، تقسیم شده است. مساحت کل قفقاز جنوبی ۱۸۶۱۰۰ کیلومترمربع هست (۳۷/۸ درصد وسعت کل قفقاز) که از این مقدار، جمهوری آذربایجان با ۸۶۶۰۰ کیلومترمربع (۴۶/۵ درصد) در رتبه نخست، جمهوری گرجستان با ۶۹۷۰۰ کیلومترمربع (۳۷/۴ درصد) و جمهوری ارمنستان با ۲۹۸۰۰ کیلومترمربع (۱۶/۱ درصد) وسعت در مراتب بعدی قرار دادند. (افشردی، ۱۳۹۱: ۴۱) قفقاز جنوبی شامل سه دولت مستقل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان که در خود این دولت‌ها تقسیم‌بندی‌های قومی متعددی وجود دارد. (موسوی، ۱۳۸۴: ۲۳). در این منطقه حدود ۵۰ گروه قومی از سه خانواده قفقاز (ایبر قفقاز) هندواروپایی و آلتایی زندگی می‌کنند. (سیف زاده، ۱۳۷۸: ۸۷)



نقشه-۲: ساختار قومیتی قفقاز جنوبی منبع (<http://www.etomesto.rug>)

این منطقه حساس جهانی محل تلاقی اسلام و مسیحیت بوده است. تاریخ قفقاز به‌جز در دوره‌های کوتاه که از صلح نسبی برخوردار بوده در دیگر مواقع سزار شاهد درگیری و نزاع میان اقوام و امپراتوران مختلف بوده است. همه این جنگ‌ها به‌نوعی ریشه در موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قفقاز داشته است... (آبادیان، ۱۳۸۰: ۱۴۸)

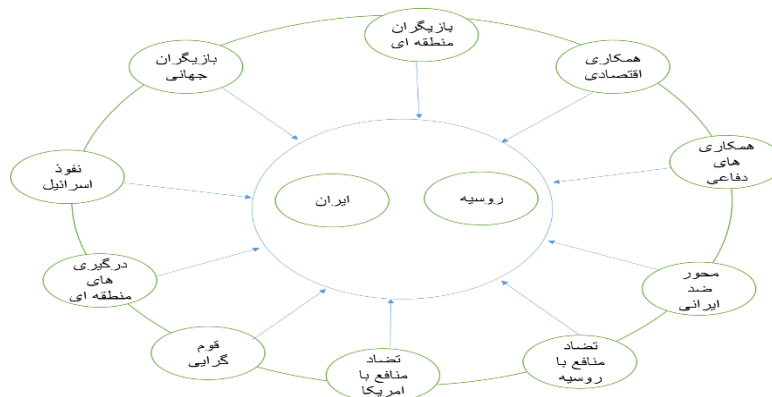
۲-۲-۲- روش شناسی

روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای (فیش برداری، جدول، استفاده از داده‌های آماری) و ترکیبی از منابعی چون کتاب، مجلات، فصلنامه‌ها، منابع اینترنتی، آمار، اطلاعات مربوط به سایت‌های داخلی و خارجی است. جامعه آماری این پژوهش شامل مجموعه‌ای ۱۲ نفر متشکل از متخصصان جغرافیای سیاسی، مسئولین سازمان‌های مرتبط و نهادهای ذی‌ربط بوده‌اند که با طرح مصاحبه و گفت‌گو به جمع‌آوری و استخراج نظرات و اطلاعات پرداخته شده است. در بخش کمی پژوهش به ترتیب از روش نظریه بازی‌ها (بازی دو زندانی) استفاده شده است. پژوهش‌ها در این زمینه اغلب بر مجموعه‌ای از راهبردهای شناخته شده به‌عنوان تعادل در بازی‌ها استوار است. این راهبردها اصولاً از قواعد عقلانی به نتیجه می‌رسند. مشهورترین تعادل‌ها، تعادل نش است. بر اساس نظریه تعادل نش، اگر فرض کنیم در هر بازی با راهبرد مختلط بازیکنان به طریق منطقی و معقول راهبردهای خود را انتخاب کنند و به دنبال حداکثر سود در بازی هستند، دست‌کم یک راهبرد برای به دست آوردن بهترین نتیجه برای هر بازیکن قابل انتخاب است و چنانچه بازیکن راه‌کار دیگری به‌غیر از آن را انتخاب کند، نتیجه بهتری به دست نخواهد آورد (مرتضویان، ۱۳۵۴: ۱۲۰).

۲-۲-۱- چارچوب نظری تحقیق

جاه‌طلبی ایران برای ظهور به‌عنوان یک قدرت مستقل در فضای شوروی سابق در به‌طور کلی و به‌ویژه در قفقاز تا حد زیادی یک هدف شکست خورده باقی مانده است (Wendt, 1992:401). در واقع، هژمونی منطقه‌ای روسیه و نپذیرفتن جمهوری اسلامی ایران از هر طرف حضور آمریکا در منطقه گزینه‌های دیپلماتیک ایران را محدود می‌کند. دیپلماسی ایران نمی‌تواند هم‌زمان ضدآمریکایی و مستقل از سیاست روسیه در قفقاز باشد. چارچوب وسیع ایدئولوژیک ضد غربی دیپلماسی ایران اغلب با ارتقا منافع ملی ایران در منطقه متضاد است، خصوصاً در بخش‌های نفت و گاز. باوجود این محدودیت‌ها، مجاورت جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی نیز وجود دارد. منافع مشترک تجاری یک انگیزه قوی برای ایران و قفقاز جنوبی است که با همسایگان همکاری دوجانبه خود را افزایش داده و اهداف راهبردی برای کنترل یک منطقه بی‌ثبات را دنبال کند (Waltz, 1986:336). با این حال، موفقیت اصلی ایران در قفقاز جنوبی دیپلماسی نزدیک شدن به ارمنستان است زیرا مسکو با این سیاست مقابله نمی‌کند. در مقایسه، هدف جدید ایران برای تبدیل شدن به یک شریک تجاری گرجستانی است با توجه به ماهیت راهبردی متفاوت سیاست خارجی مربوطه واقع‌بینانه نیست (Rudloff, 2013:52). گرجستان عضوی از یک اتحاد غرب‌گرا است و ایران طبق قانون اساسی یک طرفدار جبهه ضد غربی در مقیاس بین‌المللی است. مسئله روابط آذری و ایرانی با موانع مشابه قبلی با همان مشکل مواجه می‌شود: علاقه‌مندی و رابطه آن با اسرائیل. با این وجود، به نظر می‌رسد در بخش نفت و گاز، دو همسایه در حال ساخت یک علاقه عملی هستند... جاه‌طلبی ایران برای تبدیل شدن به چهارمین قدرت منطقه‌ای در کنار ایالات متحده، روسیه و ترکیه بانفوذ قابل توجه در قفقاز جنوبی توسط کاستی‌های سیاست خارجی آن محدود است. ظرفیت ایرانی‌ها برای کاهش آن‌ها وابستگی در برابر روسیه آزمایشی برای دولت انقلابی ایران اجرای یک سیاست خارجی واقعاً مستقل خواهد بود - نه تنها در سطح شعاری بلکه در عمل (Weitz, 2014, 173)؛ بنابراین در این رابطه ایران یک حریف و

شریک قدرتمند در این منطقه دارد و آن روسیه است. لذا پژوهش حاضر درصدد گزینش راهبرد مؤثر نیل به منطقه‌گرایی ایران در قفقاز در برابر روسیه است.



مدل-۱: فرصت‌ها و چالش‌های ایران و روسیه در قفقاز (نگارندگان: ۱۳۹۹)

۳- یافته‌ها

۳-۱- یافته‌های کتابخانه‌ای

قفقاز، یکی از قدیمی‌ترین مراکز تمدن بشری است و تمدن ایرانی از دوره هخامنشی، یعنی ۶۰۰ سال پیش از میلاد در این منطقه حضور داشته است. کشورهای گرجستان، ارمنستان و آذربایجان در قفقاز جنوبی طی دوره‌های تاریخی و درازمدت، زیر سیطره فرهنگی ایرانیان قرار داشتند و یا رسماً خراج‌گذار ایرانیان بوده‌اند (Marksberry, 2011: 3). از این رو ایران تا به امروز، نقش تاریخی خود را در این منطقه فراموش نکرده و به تحولات قفقاز و آسیای مرکزی، علاقه زیادی نشان می‌دهد. فرد هالیدی، مورخ معاصر تاریخ ایران، دوره‌های سیطره ایران بر قفقاز را این‌گونه تشریح می‌کند: در دوره قبل از اسلام، دولت‌های ایرانی بر تمام یا اکثر مناطق قفقاز حکمرانی نمودند. در دوران اسلامی نیز فرهنگ، زبان و تأثیر اقتصاد ایران بسیار قوی بود. با ظهور دولت جدید ایران در حدود ۱۵۰۰ میلادی در قریب به اتفاق سال‌های پس از آن در عصر حکمرانی سلسله صفویه تا اوایل سلسله قاجار، همواره بخشی از خاک ایران بوده است. رواج تشیع در آران (آذربایجان) نیز تحت تأثیر ایرانیان از همین دوره آغاز شده است. (شفایی، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۰)

۳-۱-۱- موانع توسعه روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی

عمق راهبردی قدرت و نزدیکی ایران، این کشورها را قدری محتاط ساخته است. این امر از آنجا ناشی می‌شود که تاریخ‌نگاران دوران شوروی، ایران را کشوری سرکوب‌گر و برتری طلب جلوه داده بودند. بدین ترتیب این کشورها موافق با ظهور ایران به‌مثابه هژمون منطقه‌ای نیستند (ثریا، ۱۳۸۹: ۱۹۱). جابجایی دولت‌مردان در کشورهای قفقاز جنوبی همراه با کودتا و یا بحران‌های شدید اجتماعی از دیگر موانع توسعه روابط ایران با این کشورها است. مشکل دیگری ایران برای توسعه روابط در این کشورها، مشکلات اقتصادی به همراه افزایش فساد اداری است که باعث ارتقای ضریب مخاطرات اقتصادی شده و در نتیجه واحدهای اقتصادی سرمایه‌گذار رغبتی به حضور و سرمایه‌گذاری

کلان در چنین وضعیتی ندارند (Koolae and other, 2010:398). از مهم‌ترین موانع توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قفقاز جنوبی، فشارهای آمریکا برای حذف ایران در منطقه هست (Shaffer, 2003,19).

۳-۱-۲- تهدیدات کشورهای قفقاز جنوبی برای امنیت ملی ج.ا.ا.

حضور بازیگرانی چون ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، ترکیه و اسرائیل در مناطق پیرامونی ایران و گاهی اوقات تحرکات امنیتی این کشورها علاوه بر کاهش نفوذ ایران در قفقاز جنوبی، تهدیدات امنیتی جدیدی را برای ایران ایجاد نموده است (Sadegh-Zadeh, 2008:37). همچنین ادعاهای ارضی جمهوری آذربایجان علیه ایران، تهدیدی جدی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اختلاف ایران با کشورهای ساحلی این دریا و حضور بازیگران فرا منطقه‌ای باعث ایجاد اخلاص در رسیدن به یک تفاهم اساسی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر شده است. (مهدی زاد، ۱۳۸۸: ۱) ج.ا.ا. ایران علاقه‌مند به بین‌المللی شدن مسائل و چالش‌های قفقاز نیست؛ زیرا در این صورت قدرت‌های فرا منطقه‌ای به بهانه‌های مختلف، در سطوح و لایه‌های مختلف این منطقه نقش‌آفرینی خواهند نمود و در صورت نیاز هم‌سطحی از منازعه و بحران‌های منطقه‌ای را خلق خواهند کرد. به‌طور کلی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز سیاست زیر را دنبال می‌کند (Kouhi-Esfahani, 2019:38)

۱- ایران حضور و نفوذ قدرت‌ها و ساختارهای فرا منطقه‌ای از جمله غرب را (بخصوص در حوزه امنیتی) متناسب با واقعیت‌های منطقه قفقاز نمی‌داند و آن را مغایر با صلح و امنیت منطقه قلمداد می‌کند؛ ۲- ایران سعی می‌نماید با برقراری ارتباط حسنه با سه کشور قفقاز، از تند شدن عناصر و اندیشه‌های ضد ایرانی بکاهد و به‌نوعی از سیاست آمریکایی، «جابه‌جایی منازعه از درون قفقاز به محیط پیرامون» جلوگیری کند (Paul, 2015:74) ۳- سیاست جمهوری اسلامی بیانگر این است که واقعیت‌های ژئوپلیتیک ایران را بر حاکمان قفقاز بفهماند که کنار گذاشتن ایران در مناسبات امنیتی، اقتصادی منطقه یک ایده اشتباه است و خلأ حضور ایران را هیچ بازیگری نمی‌تواند جبران کند (فلاح پیشه و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۲).

۳-۱-۳- سیاست خارجی ایران در قبال جنوب قفقاز: میان ایده‌های انقلابی و سیاست‌های واقعی

چارچوب روسی سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی بین فرصت‌های جدید ژئوپلیتیک و محدودیت‌های انقلابی با توجه به فرصت‌های بیشمار دیپلماسی ایران در قفقاز جنوبی پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی موقعیت جغرافیایی آن بین دریای خزر و خلیج فارس، روابط فرهنگی و زبانی، منابع نفت و گاز و پتانسیل آن برای تأمین کمک اقتصادی به کشورهای بسیار فقیر این منطقه این امکان وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران به اولین قدرت منطقه‌ای در قفقاز جنوبی تبدیل خواهد شد (Yazdani, and other, 2016:423) چرا این اتفاق نیفتاد؟ اولاً همه، یک مانع قومی برای افزایش نفوذ ایرانی وجود دارد. این به‌ویژه در رابطه با آذربایجان صادق است ثانیاً، کشورهای مستقل جدید قفقاز جنوبی تصمیم گرفتند طبق یک مدل مشترک بین دولت‌های کوچک پس از استعمار عمل کنند: این بدان معنی است که به جای اجازه دادن به آن‌ها سعی کرده‌اند از یک کشور خاص برای تأثیر غیرمستقیم در سیاست خارجی خود استفاده کنند روابط با طیف گسترده‌ای از کشورها برای به حداکثر رساندن منافع این هدف برای حفظ روابط صمیمانه با طیف وسیعی از کشورهاست. ناامیدی از دیپلماسی ترکیه در فضای شوروی سابق. مدل دیپلماتیک دولت‌های کوچک برای ایالات قفقاز جنوبی معتبر هست (Sadegh-Zadeh, 2008:39).

۳-۱-۴- سطوح روابط دیپلماتیک و راهبردی در قفقاز جنوبی

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شرایط را برای ایران را فراهم کرد که منطقه را در محدوده نفوذ خود داشته باشد همراه با فرصت احیا روابط تاریخی و چشم‌انداز گشودن افق‌های جدید نفوذ. آتی همچنین چالش‌های ناشی از بی‌ثباتی‌های داخلی در جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته و درگیری‌های مداوم در منطقه (Menashri, 1998:77). از بسیاری جهات، پتانسیل ایران برای برقراری روابط نزدیک‌تر و توسعه قابل توجه نفوذ در آذربایجان و ارمنستان در مقایسه با دیگر تازه‌نفس‌ها بسیار بیشتر کرده؛ زیرا علاوه بر میراث مشترک حکومت پارسی، هر دو کشور مرزهای مشترکی با ایران دارند. (Sadri, 2012:387) از بین این دو همسایه جدید، آذربایجان در ابتدا بهترین گزینه به نظر می‌رسید از طریق آن ایران می‌توانست قدرت و نفوذ را در قفقاز پیش‌بینی کند. در مقابل، بزرگ‌ترین کشور از سه کشور قفقاز جنوبی است که دارای منابع طبیعی غنی است از نظر دیگر، آذربایجان دارای جمعیتی کاملاً مسلمان است اکثریت همان فرقه مذهبی ایران شیعه را دارند (Herzig, 1999:112). خویشاوندی موجود با جمعیت بزرگ آذربایجانی ایران یکی دیگر از دارایی‌های ارزشمند برای ساختن به شمار می‌رفت اتحادی پایدار با این‌حال، همان‌طور که این مطالعه نشان می‌دهد، تحولات منطقه‌ای است بسیار متفاوت از آنچه ایران انتظار داشت، رقم خورده است (Calabrese, 2016:87). سیاست خارجی ایران در زمینه منطقه‌ای با این کشورها سعی کرده است اهداف، اولویت‌ها و سیاست‌هایی را که ایران در این منطقه خاص در چارچوب سیاست خارجی عمومی خود دنبال و تعیین کند (Buzan and other, 2003:132). از یک طرف، جهت‌گیری سیاست خارجی ارمنستان طرفدار روسیه است؛ از طرف دیگر گرایش گرجستان و آذربایجان به سمت اتحاد غرب (اتحادیه اروپا و ایالات متحده) عمدتاً با منافع مشترک انرژی توجیه می‌شد. علی‌رغم اختلافات، همه آن‌ها سعی در حفظ روابط کاری با همه دارند قدرت‌های منطقه‌ای همسایه - یعنی ایران و ترکیه - و قدرت‌های بین‌المللی مانند روسیه و ایالات متحده طی دهه ۱۹۹۰، اختلاف ژئوپلیتیکی بین غرب‌گرایان محور (آذربایجان-گورجیا-ایالات متحده) و محور طرفدار روسیه (ارمنستان-ایران-روسیه) بود ابزار اصلی برای تجزیه و تحلیل تکامل راهبردی منطقه و توضیح پویایی در پشت تنش‌های منطقه‌ای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نامزد شدن جمهوری اسلامی ایران در فهرست «محور شر» جورج دبلیو بوش، نفوذ ایران در قفقاز جنوبی هنوز با سیاست خارجی واشنگتن روبرو بود برنامه گفتگوی تمدن‌ها، تصور دولت بوش در مورد ماهیت سیستم سیاسی انقلابی ایران را تغییر نداد (Paul, 2015:93). تحول اصلی مربوط به تقسیم ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی بود. پس از جنگ گرجستان در اوت ۲۰۰۸ و عواقب پیش‌بینی نشده از آن به اصطلاح سیاست تنظیم مجدد اوپاما در روابط دوجانبه با مسکو. تکامل این حوادث تمرکز اصلی ایران در دیپلماسی قفقاز جنوبی را تغییر نداد: هدف مقابله نکردن با منافع روسیه در این زمینه بود. بحران گرجستان در سال ۲۰۰۸ و رویکرد آمریکا و روسیه هنگامی که مسکو استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی را رسماً به رسمیت شناخت در اوت ۲۰۰۸، در تضاد با سیاست‌های قبیله‌ای قومی خود، ایران وضعیت کم‌نظیری با اعلام بی‌طرفی آن را حفظ کرد. ایران به‌طور واضحی در واکنش به آن بسیار محتاط بود مسکو پس از جنگ گرجستان، با وجود اینکه در طولانی‌مدت، یک منبع بالقوه گاز است به اوکراین و گرجستان در

ژانویه ۲۰۰۶، روسیه به دلیل دو خط لوله آسیب‌دیده رسماً گازرسانی به گرجستان را متوقف کرد. از دیدگاه رسمی گرجستان، دلیل آن هدف روسیه برای یک تحمیل بود «محاصره انرژی».

در نتیجه، ایران مقدار کمی از نیاز گازی را برای مدت کوتاهی از طریق آذربایجان تأمین کرد، به‌عنوان یک کمک اضطراری برای مصرف داخلی گرجستان (Ismailov and other, 2008:389). در ماه می ۲۰۱۰، با یادآوری این حمایت ایران از گرجستان، سفیر ایران در تفلیس، اظهار داشت که «دوستی واقعی در دوران سخت نشان داده می‌شود»، حتی اگر این باشد به نظر می‌رسد اولین بار تحویل گاز اضطراری توسط مقامات ایرانی با مسکو مذاکره شده است.

ایران و روسیه اگرچه به لحاظ تاریخی روابطی نه‌چندان دوستانه را پشت سر نهاده‌اند اما امروزه با درک شرایط نظام بین‌الملل می‌کوشد از ظرفیت‌های موجود نهایت بهره را ببرند شاید مهم‌ترین محرک برای نزدیکی دو کشور ساختار کنونی نظام بین‌الملل باشد (Yazdani, and other, 2016:427) نظامی تک قطب که همه‌چیز را یک کشور تعیین و همه‌چیز دور آن بچرخد، نه برای روسیه با آن پیشینه تاریخی قابل تحمل است و نه ایران را در راه تقابلی که از فردای انقلاب ۵۷ با تک قطب (آمریکا) آغاز کرده یاری می‌کند (Omeliicheva, 2012:337). همین اشتراک در به چالش کشیدن ابرقدرت پایه‌ای است درست یا غلط که بسیاری از صاحب‌نظران بر اساس آن از بنای مشترک در حال ساخت و تکمیل شدن ایران و روسیه سخن می‌گویند.

۱. حفظ امنیت و تمامیت ارضی و جلوگیری از جنبش‌های جدایی طلب

۲. دغدغه نسبت به حضور بازیگران فرا منطقه‌ای

۳. نگرانی نسبت به فعالیت‌های ترکیه در منطقه (Djalili, 2002:55)

۳-۱-۵- محوره‌های رقابتی سیاست خارجی ایران و روسیه در قفقاز

علیرغم نقاط اشتراک فوق‌الذکر روابط دو کشور همواره در سال‌های اخیر با علامت سؤال‌های اساسی مواجه بوده است آنچه در پرونده هسته‌ای ایران رخ داد، ماجرای نیروگاه اتمی بوشهر و تحویل موشک‌های S300 نمونه‌هایی هستند که لااقل در مورد منفعت ایران از رابطه با روسیه تردید ایجاد می‌کنند (Flanagan, 2013:169) ایران و روسیه، هریک متناسب با امکانات و فرصت‌های خود به دنبال کسب جایگاه بهتر هستند، حال آنکه روسیه با امکانات، ظرفیت‌ها و شرایطی بهتر امیدوار به بازیابی خود در سطح بین‌الملل است اما ایران کسب قدرت در سطح منطقه‌ای نیز تا حدود زیادی آن را راضی می‌کند. روسیه به لحاظ امنیتی دارای توان نظامی و فنی و به لحاظ سیاسی دارای حق و تو در سازمان ملل است. هم‌چنین از طرفی در رویای ایفای نقش ابرقدرتی است وجود هرگونه رقیب برای مشارکت در منطقه را بر نخواهد تابید؛ این رقیب می‌تواند ایالات متحده، اسرائیل یا ایران باشد (Kakachia, 2011:17). لذا اگر روسیه در راستای ایجاد نظام چندقطبی در برابر آمریکا گاه از ایران حمایت می‌کند این معنای یک ائتلاف دائمی نیست و روسیه به لحاظ تاریخی رقیبی امپریالیست، مهاجمی استعمارگر و دشمنی ملحد برای ایران بوده و امروز نیز تا حدی این نقش را از دست نداده است (Mesbahi, 2001:157). در مجموع چه‌بسا نزدیکی به روسیه برای ایران به معنای از دست رفتن منافی است که در ابعاد گوناگون به پیشرفت کشور کمک کند حال آنکه بر اثر یک غفلت یا سیاست نادرست نادیده گرفته شد.

۱. انرژی و خطوط انتقال آن

۲. دریای خزر

۳. بحران قره‌باغ و بحران گرجستان: مخالفت روسیه با اثرگذاری ایران

مخالفت روسیه با گسترش اسلام در منطقه. (Javadi Arjmand, 2018:19).

۲-۳- یافته‌های میدانی

در این بخش از یافته‌های پژوهش تلاش شده که راهبرد های انتخابی و تدوین شده توسط نخبگان را در روش تئوری بازی‌ها به ارزیابی و آزمایش بگذاریم؛ بنابراین ۱۲ راهبرد نهایی را در قالب بازی ترکیبی که معروف به بازی دو زندانی است را به ارزیابی گذاشته‌ایم. بدین صورت که یکبار نخبگان را به عنوان روسیه در قفقاز و خودمان به عنوان کشور ایران در نظر گرفته‌ایم سپس شروع به نمره دهی راهبرد ها به روش مقایسه متقارن از ۱۰ به عنوان پراهمیت‌ترین تا ۱ به عنوان کم‌اهمیت‌ترین کرده‌ایم. بازی بدین گونه است که اگر کشور ایران راهبرد یک را انتخاب کند چه میزان سود می‌برد و روسیه نیز به همین صورت. سپس به مقایسه گزینه پرداخته می‌شود؛ یعنی اگر کشور ایران یک را انتخاب کند و روسیه راهبرد مثلاً ۳ را انتخاب کند کشور ایران ساز چه میزان سود می‌برد و روسیه نیز چه میزان. قبل از شروع تحلیل نیاز به دانستن نوعی از طبقه‌بندی‌های رایج در این بازی‌ها هستیم. بازی متقارن نوعی از بازی است که نتیجه و سود حاصل از یک راهبرد تنها به این وابسته است که چه راهبردهای دیگری در بازی پیش گرفته شود و از این که کدام بازیکن این راهبرد را پیش گرفته است مستقل است به عبارت دیگر اگر مشخصات بازیکنان بدون تغییر در سود حاصل از کارگیری راهبردها بتواند تغییر کند این بازی متقارن و در صورتی که راهبردهای یکسانی برای بازیکنان وجود نداشته باشد بازی نامتقارن است. نوع دیگری از این بازها وجود دارد که به نام بازی با آگاهی و بدون آگاهی کامل طبقه‌بندی می‌شوند بازی با آگاهی کامل بازی است که تمام بازیکنان در هر لحظه قادر به مشاهده انتخاب خود و حریف است، در صورتی که بازی بدون آگاهی، انتخاب و رفتار حریف بر بازیکنان دیگر پوشیده است (یگانگی دستگرددی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان به این نتیجه که بازی انتخاب شده در این بازی از نوع آگاهانه و متقارن است. با توجه به این نوع بازی و اینکه دو طرف به صورت رقیب نسبت به یکدیگر رفتار می‌نمایند، اول: هر دو در پی افزایش سود خود و کاهش سود طرف مقابل اند دوم: همان گونه که گفته شد رقبا نسبت به یکدیگر به صورت آگاهانه رفتار می‌نمایند بدین صورت که به طور کلی نسبت به انتخاب طرف مقابل واکنش نشان می‌دهند. بر این اساس اگر طرف اول (ایران) راهبرد انتخاب نماید که منجر به بیشترین سود برای انتخاب وی باشد در این حالت رقیب با دانستن نوع انتخاب بازیگر اول به انتخاب راهبرد در جهت مقابله با این روش می‌پردازد که منجر به کاهش سود بازیگر اول و افزایش سود خود شود. با این ترتیب بازیگر اول با توجه به این راهبرد بازیگر دوم به تغییر انتخاب خود دست می‌زند که سود وی را به حالت اول برساند این کنش واکنش به صورت آگاهانه ادامه می‌یابد تا به نقطه‌ای دست یابیم که هر دو حریف مایل به ماندن در آن باشند که به آن وضعیت تعادل می‌گوییم البته بسته به اینکه این رفتار تدافعی باشد یا تهاجمی متفاوت است. در اصطلاح می‌گوییم بازی به تعادل دست یافته است. همچنین این امکان نیز وجود دارد که بازی هیچ وقت به نقطه تعادل دست پیدا نکند.

جدول ۱: جدول امتیازات بر اساس نقطه سود

رقیب												گزینه‌ش راهبرد مؤثر نیل به منطقه‌گرایی ایران در قفقاز در برابر روسیه
12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
6,7	6,6	4,8	5,6	5,9	4,8	5,7	5,5	6,7	5,6	6,5	8,2	قلمروسازی جدید با توجه به ماهیت مناطق جغرافیایی
6,3	6,4	7,6	6,8	8,6	6,5	6,6	6,6	7,5	6,7	7,6	9,5	شکوفایی پتانسیل‌های طبیعی با تکیه بر بنیان‌های هویتی و انسانی
8,8	7,4	8,8	8,5	8,6	7,5	7,7	6,8	8,6	7,7	7,5	8,4	پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل‌های جغرافیایی ایران
7,8	8,6	7,9	7,7	6,6	5,8	5,9	7,5	5,5	7,6	6,5	7,3	بالا بردن سطح مشارکت اقتصادی فرهنگی در سطوح مختلف فرو ملی، ملی و فراملی
6,4	7,7	8,4	8,8	7,7	4,7	5,8	5,5	8,5	7,6	6,8	6,2	ایجاد قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی در امر ساختارهای مادر در صنایع
8,7	7,8	9,3	8,5	8,6	8,6	6,7	8,5	8,4	7,7	8,8	5,5	ایجاد اتاق فکر سیاسی با توجه به رویکردهای متفاوت سیاسی و تمرکز بر مشاوره متخصصین ژئوپلیتیک
8,2	9,5	8,5	8,5	9,5	8,8	7,8	9,6	8,5	9,5	9,7	8,5	آموزش تصمیم‌گیران سیاسی در امر اولویت‌بندی سیاست‌گذاری‌ها با توجه به منافع ملت و ارتقا وزن ژئوپلیتیکی کشور
7,7	6,8	6,6	7,7	6,9	6,9	5,7	8,8	7,5	5,8	6,6	9,7	افزایش سطح انعطاف در مشارکت بین‌المللی
6,6	6,4	7,9	5,5	7,6	4,6	5,8	7,5	7,7	6,8	6,9	8,6	راهبرد یکپارچگی افقی روبه‌جلو جهت اعمال کنترل و نفوذ در فرآیند مشارکت بین‌المللی
9,7	9,5	9,9	9,7	8,8	8,8	9,9	8,7	9,6	8,8	9,5	10,8	ایجاد رویکرد جدید و منعطف در سیاست خارجی
7,8	5,5	6,9	4,7	7,5	8,6	5,6	6,4	8,8	7,6	8,8	8,3	تمرکز بر متحد‌گزینی با توجه به نیازهای کشورها به منابع طبیعی ایران
5,8	8,4	6,7	6,8	8,7	6,7	7,7	5,7	8,8	6,9	7,8	6,8	بازنگری در نوع عملکردها در قلمرو سازی فرهنگی مذهبی سیاسی

بر اساس آنچه گفته شد هدف هر بازیگر به صورت زیر معرفی می‌گردد

$$\text{Self-Point} = \max \{1 \dots 9\}$$

$$\text{Competitor Points} = \min \{1 \dots 9\}$$

با توجه به این که هر رقیب به امتیاز طرف مقابل نگاه می‌کند بنابراین هر بازیگر در هر راهبرد حداقل امتیاز را برگزیده (در صورتی که به صورت تدافعی عمل نماید) و سپس در میان آن‌ها بیشترین امتیاز را به عنوان هدف انتخاب می‌کند (در واقع این مطلب را بیان می‌نماید که در هر راهبرد حداقل امتیازی که دریافت می‌شود چقدر است). این انتخاب برای ایران در هر راهبرد بدین گونه است

$$\begin{aligned} 1 &= \min \{8,6,5,6,5,5,4,5,5,4,6,6\} = 4 \\ 2 &= \min \{9,7,6,7,6,6,6,8,6,7,6,6\} = 6 \\ 3 &= \min \{8,7,7,8,6,7,7,8,8,8,7,8\} = 6 \\ 4 &= \min \{7,6,7,5,7,5,4,7,8,8,7,6\} = 4 \\ 5 &= \min \{6,6,7,8,5,5,4,7,8,8,7,6\} = 4 \\ 6 &= \min \{5,8,7,8,8,6,8,8,8,9,7,8\} = 5 \\ 7 &= \min \{8,9,9,8,9,7,8,9,8,8,9,8\} = 7 \\ 8 &= \min \{9,6,5,7,8,5,6,6,7,6,6,7\} = 5 \\ 9 &= \min \{8,6,6,7,7,5,4,7,5,7,6,6\} = 4 \\ 10 &= \min \{10,9,8,9,8,9,8,8,9,9,9,9\} = 8 \\ 11 &= \min \{8,8,7,8,6,5,8,7,4,6,5,7\} = 4 \\ 12 &= \min \{6,7,6,8,5,7,6,8,6,6,8,5\} = 5 \\ \text{Max} \{1, 12\} &= 8 \end{aligned}$$

و در صورتی که به شکل تهاجمی عمل نماید برعکس حالت بالا اتفاق خواهد افتاد یعنی در هر حالت بالاترین امتیاز را انتخاب می‌کند (به گونه حداکثری) و سپس در نهایت کمترین حد آن‌ها را انتخاب می‌نمایم در واقع اطمینان از این که حداکثر چه مقادیری به دست می‌آید انتخاب می‌گردد:

$$\begin{aligned} 1 &= \max \{8,6,5,6,5,5,4,5,5,4,6,6\} = 8 \\ 2 &= \max \{9,7,6,7,6,6,6,8,6,7,6,6\} = 9 \\ 3 &= \max \{8,7,7,8,6,7,7,8,8,8,7,8\} = 8 \\ 4 &= \max \{7,6,7,5,7,5,4,7,8,8,7,6\} = 8 \\ 5 &= \max \{6,6,7,8,5,5,4,7,8,8,7,6\} = 8 \\ 6 &= \max \{5,8,7,8,8,6,8,8,8,9,7,8\} = 9 \\ 7 &= \max \{8,9,9,8,9,7,8,9,8,8,9,8\} = 9 \\ 8 &= \max \{9,6,5,7,8,5,6,6,7,6,6,7\} = 9 \\ 9 &= \max \{8,6,6,7,7,5,4,7,5,7,6,6\} = 8 \\ 10 &= \max \{10,9,8,9,8,9,8,8,9,9,9,9\} = 10 \\ 11 &= \max \{8,8,7,8,6,5,8,7,4,6,5,7\} = 8 \\ 12 &= \max \{6,7,6,8,5,7,6,8,6,6,8,5\} = 8 \\ \text{Min} \{1, 12\} &= 8 \end{aligned}$$

حال همین حالت را برای رقیب در دو حالت تهاجمی و تدافعی در نظر می‌گیریم:

$$\begin{aligned} 1 &= \min \{2,5,4,3,2,5,5,7,6,8,3,8\} = 2 \\ 2 &= \min \{5,6,5,5,8,8,7,6,9,5,8,8\} = 5 \\ 3 &= \min \{6,7,7,6,6,7,5,8,8,8,6,9\} = 6 \\ 4 &= \min \{6,7,7,6,6,7,5,8,8,8,6,9\} = 5 \\ 5 &= \min \{5,6,8,5,5,5,6,8,5,7,4,7\} = 4 \\ 6 &= \min \{7,6,7,9,8,7,8,7,8,9,6,7\} = 6 \\ 7 &= \min \{8,5,5,8,7,6,8,9,6,8,6,7\} = 5 \\ 8 &= \min \{9,6,6,6,7,6,5,9,6,8,5,7\} = 5 \\ 9 &= \min \{6,8,5,7,8,5,5,7,5,7,7,8\} = 5 \\ 10 &= \min \{8,6,8,9,4,3,5,6,9,9,9,7\} = 3 \\ 11 &= \min \{6,4,4,6,7,8,5,8,4,5,5,4\} = 4 \\ 12 &= \min \{7,3,8,8,4,7,2,7,6,7,8,8\} = 3 \end{aligned}$$

$$\text{Max } \{1, 12\} = 6$$

۱-۲-۳- حالت تهاجمی

در این حالت رقبا به دنبال بیشترین سود خود هستند پس بالاترین نمرات تکرار شده در هر راهبرد را انتخاب می‌کنیم.

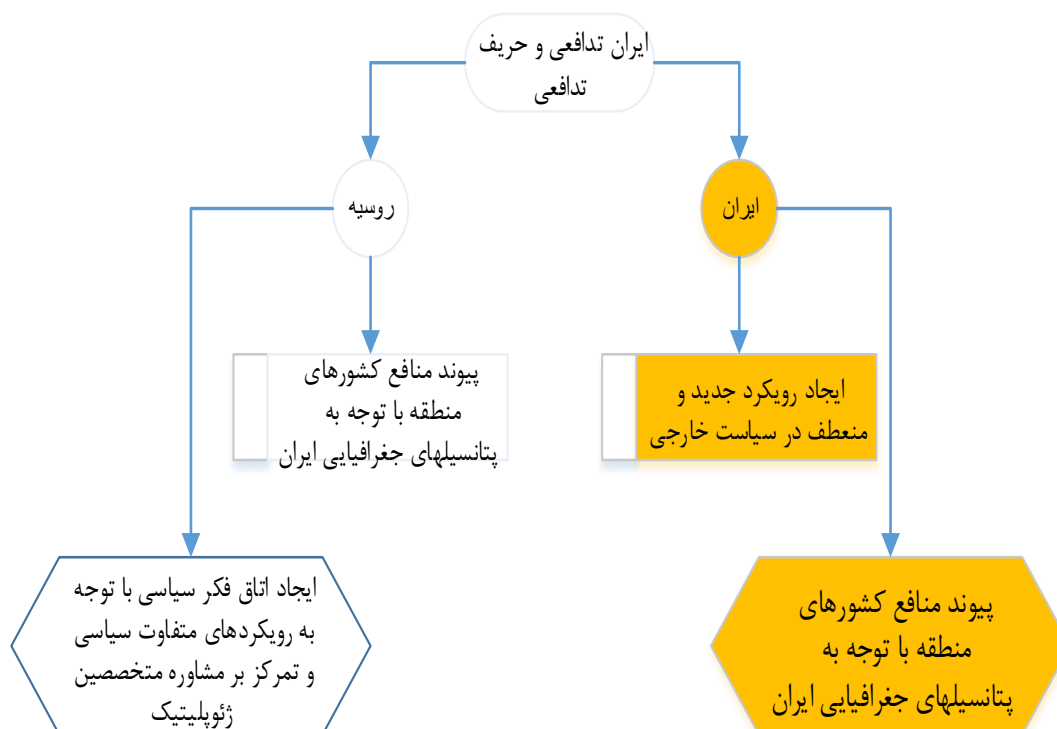
$$\begin{aligned} 1 &= \max \{2,5,4,3,2,5,5,7,6,8,3,8\} = 8 \\ 2 &= \max \{5,6,5,5,8,8,7,6,9,5,8,8\} = 8 \\ 3 &= \max \{6,7,7,6,6,7,5,8,8,8,6,9\} = 8 \\ 4 &= \max \{6,7,7,6,6,7,5,8,8,8,6,9\} = 8 \\ 5 &= \max \{5,6,8,5,5,5,6,8,5,7,4,7\} = 8 \\ 6 &= \max \{7,6,7,9,8,7,8,7,8,9,6,7\} = 8 \\ 7 &= \max \{8,5,5,8,7,6,8,9,6,8,6,7\} = 8 \\ 8 &= \max \{9,6,6,6,7,6,5,9,6,8,5,7\} = 8 \\ 9 &= \max \{6,8,5,7,8,5,5,7,5,7,7,8\} = 8 \\ 10 &= \max \{8,6,8,9,4,3,5,6,9,9,9,7\} = 9 \\ 11 &= \max \{6,4,4,6,7,8,5,8,4,5,5,4\} = 8 \\ 12 &= \max \{7,3,8,8,4,7,2,7,6,7,8,8\} = 8 \\ \text{Min } \{1, 12\} &= 8 \end{aligned}$$

حال حالت‌های مختلف تهاجمی و تدافعی را برای دو رقیب در نظر می‌گیریم و تعادل و عدم تعادل را در این حالات بررسی می‌نماییم:

در این بخش سعی شد راهبرد خروجی مورد ارزیابی قرار گیرد. در این بخش سعی شد که حرکات حریف رو انتخاب راهبرد های رقیب را در برابر مشخص شود. در این صورت ایران برای انتخاب و اجرایی کردن راهبرد ها دست برتر را دارد. در این بخش که شامل روش ترکیبی انتخاب بر اساس بازی دو زندانی طراحی شده است. مشخص می‌شود که در صورتی که این یکی از راهبرد های خروجی از جدول امتیازات بر اساس نقطه سود را انتخاب کند حریف در واکنش کدام راهبرد را انتخاب می‌کند. البته باید مورد توجه قرار گیرند که ترکیب راهبرد ها برای مال بسیار مهم است در صورتی که ایران راهبرد ۱۰ به عنوان راهبرد اصلی را انتخاب کند باید راهبرد شش را به عنوان زیر راهبرد آن را نیز انتخاب کند؛ بنابراین ایران برای انتخاب و اجرایی کردن راهبرد های خود در چهار موقعیت ترکیبی قرار می‌گیرد که هر موقعیت راهبرد ی خاص را خود را دارد که به قرار زیر است:

۳-۲-۲- حالت اول ایران تدافعی و حریف تدافعی

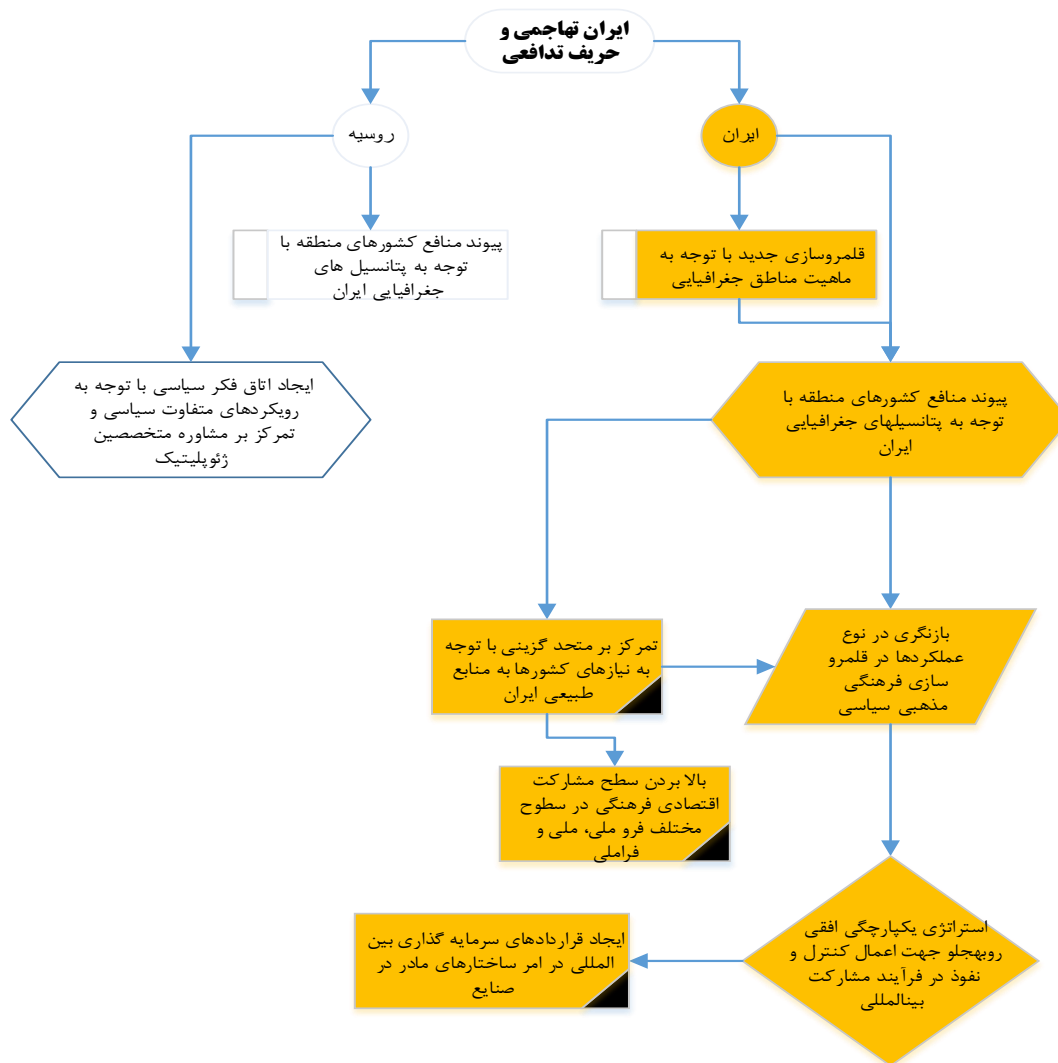
در این حالت ایران راهبرد شماره ۱۰ (ایجاد رویکرد جدید و منعطف در سیاست خارجی) و حریف راهبرد شماره (پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل های جغرافیایی ایران) ۳ یا ۶ (ایجاد اتاق فکر سیاسی با توجه به رویکردهای متفاوت سیاسی و تمرکز بر مشاوره متخصصین ژئوپلیتیک) را انتخاب می‌نماید و با توجه به امتیازهای موجود در جدول حریف راهبرد شماره ۶ را انتخاب می‌نماید دلیل انتخاب این راهبرد امتیاز بالاتری است که به هر دو رقیب می‌رسد زیرا در صورتی که ایران راهبرد ۱۰ را انتخاب کند و رقبا راهبرد ۶ هر دوی یک تعادل با امتیاز بالا می‌رسند. تعادل با امتیاز بالا بدین معنا است که قابل چشم‌پوشی نیست در این صورت هر کشور به فکر تأمین چشم‌انداز منافع ملی خود به‌دوراز محاسبه سود طرف مقابل است.



مدل ۲: موقعیت تدافعی هر دو قطب (نگارنده)

۳-۲-۳- حالت دوم ایران تهاجمی و حریف تدافعی

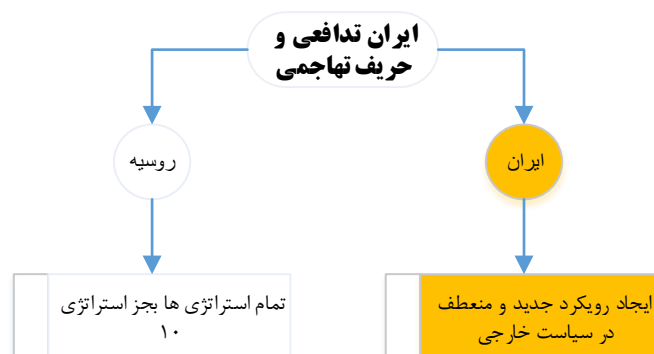
در این حالت ایران هریک از راهبرد شماره ۱ (قلمروسازی جدید با توجه به ماهیت مناطق جغرافیایی) یا ۳ (پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل‌های جغرافیایی ایران) یا ۱۲ (بازنگری در نوع عملکردها در قلمرو سازی فرهنگی مذهبی سیاسی) ۱۱ (تمرکز بر متحد گزینی با توجه به نیازهای کشورها به منابع طبیعی ایران) ۹ (راهبرد یکپارچگی افقی روبه‌جلو جهت اعمال کنترل و نفوذ در فرآیند مشارکت بین‌المللی) ۵ (ایجاد قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی در امر ساختارهای مادر در صنایع) ۴ (بالا بردن سطح مشارکت اقتصادی فرهنگی در سطوح مختلف فرو ملی، ملی و فراملی) و رقیب راهبرد شماره ۳ (پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل‌های جغرافیایی ایران) یا (ایجاد اتاق فکر سیاسی با توجه به رویکردهای متفاوت سیاسی و تمرکز بر مشاوره متخصصین ژئوپلیتیک) ۶ را انتخاب می‌نماید؛ و با توجه به امتیازات سه راهبرد (۱۲ و ۶) یا (۳ و ۳) و (۳ و ۶) دارای تعادل است.



مدل-۲ موقعیت تهاجمی، تدافعی (نگارنده)

۳-۲-۴-حالت سوم ایران تدافعی و حریف تهاجمی

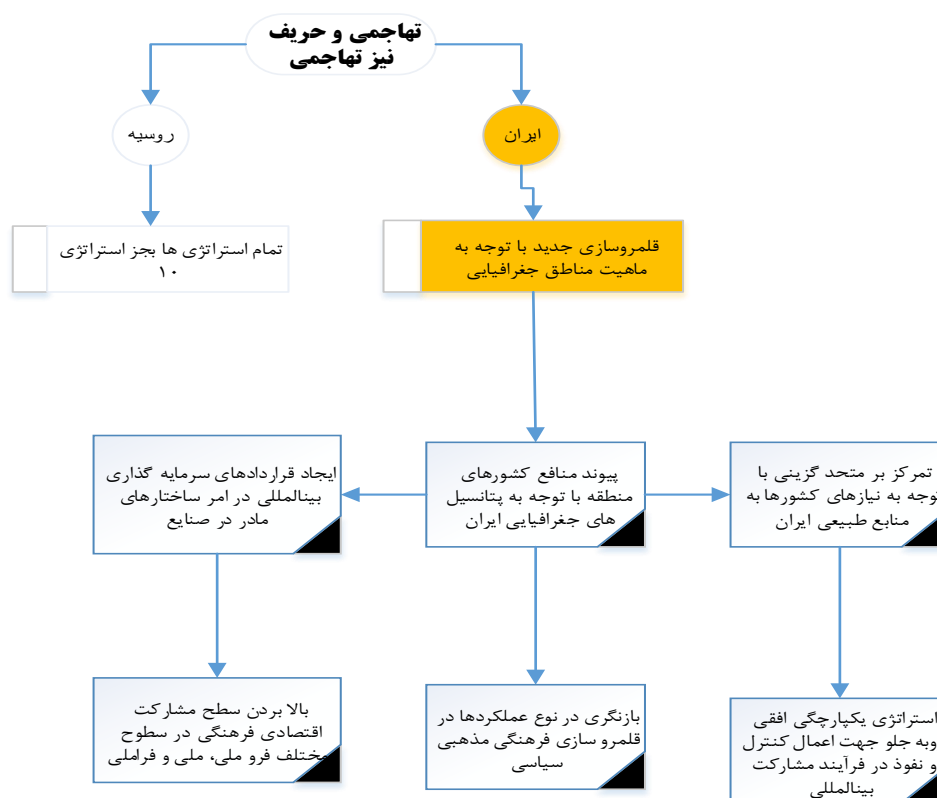
در این حالت ایران راهبرد شماره ۱۰ (ایجاد رویکرد جدید و منعطف در سیاست خارجی) و حریف همه راهبرد ها به جز راهبرد شماره ۱۰ می تواند انتخاب نماید؛ که در این بین دو راهبرد (۶ و ۱۰) بیشترین امتیاز را در حالت تعادلی دارد.



مدل-۳: موقعیت تدافعی، تهاجمی (نگارنده)

۳-۲-۵- حالت چهارم ایران تهاجمی و حریف نیز تهاجمی

در این حالت ایران هریک از راهبرد شماره ۱ (قلمروسازی جدید با توجه به ماهیت مناطق جغرافیایی) یا ۳ (پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل‌های جغرافیایی ایران) یا ۱۲ (بازنگری در نوع عملکردها در قلمرو سازی فرهنگی مذهبی سیاسی) ۱۱ (تمرکز بر متحد گزینی با توجه به نیازهای کشورها به منابع طبیعی ایران) ۹ (راهبرد یکپارچگی افقی روبه‌جلو جهت اعمال کنترل و نفوذ در فرآیند مشارکت بین‌المللی) ۵ (ایجاد قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی در امر ساختارهای مادر در صنایع) ۴ (بالا بردن سطح مشارکت اقتصادی فرهنگی در سطوح مختلف فرو ملی، ملی و فراملی) و رقیب همه راهبرد ها به‌جز راهبرد شماره ۱۰ می‌تواند انتخاب نماید؛ که در این حالت راهبرد (۳ و ۱۲) (۵ و ۹) (۱۱ و ۴) و (۴ و ۱۲) به‌عنوان راهبرد های برگزیده و دارای تعادل انتخاب می‌شود.



مدل ۵: موقعیت دو طرف تهاجمی (نگارنده)

۴-۱- تجزیه و تحلیل

با توجه به یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای آنچه مسلم است فرصت و موقعیت‌های سیاسی یک موقعیت ثابت و ایستا نیست بلکه موقعیت‌های ناپایدار هستند که است که توسط بلوک‌های قدرت درحالی‌که چرخش و دگرگونی هستند گرچه عملکرد هر بلوک قدرت در فضاهای جغرافیایی تبعات ژئوپلیتیکی طولانی مدتی برای فضاهای جغرافیایی مورد مناقشه دارد. موقعیت سیاسی یک موقعیت منعطف است که با تغییر در نوع عملکرد بلوک‌های قدرت یا کشور کشورهای هژمون شده قابل تغییر است؛ که با بررسی ساختار موقعیتی ایران در بازه زمانی ۱۰۰ ساله اخیر ایران گواه

این امر است که موقعیت سیاسی مورد بهره‌برداری برای نفوذ بسیار منعطف هست به صورت که با تغییر یک مسئول سیاسی و تدوین یک سیاست جدید تغییر می‌کند.

حال با توجه به که ایران بعد از فروپاشی شوروی از موقعیت همسایگی خود (قرارگیری فیزیکی با قفقاز) استفاده چندانی نکرده است و اکثر راهبرد های ایران در این منطقه با شکست روبه‌رو شده است... بدین معنی که امروز سیاست خارجی ایران که مشخص‌کننده راهبردهای عملکرد داخلی و خارجی برای دست‌یابی به چشم‌انداز ملی است تحت تأثیر مستقیم بازیگری روسیه و امریکا در منطقه قفقاز قرار گرفته است؛ بنابراین ارائه راهبرد نفوذ و هژمونی ایران در منطقه قفقاز باید بر مبنای حسن هم‌جواری و سیاست منطقه‌گرایی ایران تدوین شود؛ بنابراین راهبرد مورد قبول است که خاصیت اجرایی داشته باشد و توان کاهش فشارهای خارجی و افزایش توان داخلی را داشته باشد. بدین منظور در این پژوهش از آزمون راهبرد های خروجی از مصاحبه با نخبگان به روش گیم تئوری استفاده شده است.

۲-۴- نتیجه گیری

با توجه به ترکیب موارد ذکر شده در بخش کتابخانه‌ای و میدانی، راهبرد مناسب برای ایران اتخاذ راهبرد منعطف در سیاست خارجی است که در این ساختار، رویکردهای متفاوتی در قلمرو ژئوپلیتیکی اوراسیایی ایران اعمال خواهد شد و این امر باعث پیوند منافع با کشورهای هم‌جوار قفقاز خواهد شد. از سوی دیگر، کاهش فشار و جلب حمایت کشورهای حوزه قفقاز در ابعاد سیاسی و اقتصادی به‌عنوان محرک‌های ارتقای پتانسیل داخلی قرار خواهد گرفت. از این رو پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل‌های جغرافیایی ایران و تمرکز بر متحد‌گزینی با توجه به نیازهای کشورها به منابع طبیعی ایران مورد نظر خواهد بود. وابسته سازی کشورهای محصور در خشکی قفقاز که نیازمند موقعیت گذرگاهی ایرانی برای خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی هستند در مدت کوتاهی اهرم فشار قوی به دست بیاورد که باعث ثقل قدرت در ایران می‌گردد. از طرفی کشورهای در حال توسعه قفقاز نیازمند منابع معدنی و فسیلی ایران هستند که این امر می‌تواند بستر مناسبی برای جذب سرمایه‌های خارجی و محرکی برای رونق اقتصاد داخلی ایران می‌شود.

راهبرد های خروجی از روش نظریه بازی‌ها در خصوص این پژوهش حکمیت دارد چراکه در جغرافیای سیاسی به دلیل منعطف و سیال بودن موضوعات و عوامل و گستردگی پهنه تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی روش‌های مرسوم به‌تنهایی جوابگوی سؤالات نیست چراکه این روش‌ها یک روش مدیریتی برای بررسی سازمان‌های کوچک مقیاس و تک‌محوری است و در آخر چند جواب را ارائه می‌دهد که اجرایی شدن آن‌ها مشخص نیست. در جغرافیای سیاسی هر عملی بازخوردی دارد که در صورت عملکرد غلط یا ضعیف امکان ایجاد بحران بالا می‌رود بنابراین باید راهبرد های انتخابی در یک محیط شبیه‌سازی شده به اجرا گذاشته شود تا بتواند راهگشای مدیران سیاسی برای انتخاب و استفاده از آن راهبرد ها بشود؛ بنابراین تئوری بازی‌ها این امکان را به ما می‌دهد که راهبرد ها را در یک محیط شبیه‌سازی و ارزیابی کنیم تا به اجرایی شدن یا نشدن آن و بازخوردهایی انتخاب آن‌ها در محیط داخلی و بین‌الملل واقف شویم. در این ارتباط مدل زیر جهت بهبود سیاست منطقه‌گرایی ایران در قفقاز پیشنهاد می‌گردد که موارد زیر مدنظر است:

۱. ایجاد رویکرد جدید و منعطف در سیاست خارجی

۲. پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل‌های جغرافیایی ایران
۳. قلمروسازی جدید با توجه به ماهیت مناطق جغرافیایی
۴. بازنگری در نوع عملکردها در قلمرو سازی فرهنگی مذهبی سیاسی
۵. تمرکز بر متحد‌گزینی با توجه به نیازهای کشورهای منطقه به منابع طبیعی ایران
۶. راهبرد یکپارچگی افقی روبه‌جلو جهت اعمال کنترل و نفوذ در فرآیند مشارکت بین‌المللی
۷. ایجاد قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی در امر ساختارهای مادر در صنایع
۸. بالا بردن سطح مشارکت اقتصادی فرهنگی در سطوح مختلف فرو ملی، ملی و فراملی.

۵-منابع

۱. آبادیان، حسین، ۱۳۸۰، روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. افشردی، محمدحسین، ۱۳۹۱، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سپاه پاسداران، تهران.
۳. ثریا، جمشید، ۱۳۸۹، «همگرایی منطقه‌ای قفقاز جنوبی: موانع و چالش‌ها از منظر جمهوری اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۱۲.
۴. فلاحت پیشه، حشمت‌الله و شربت، وحید و مظفری، محمدمهدی، ۱۳۹۴، «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۲: صص ۶۰-۳۷.
۵. سیف زاده، سید حسین، ۱۳۷۸، «قفقاز و تراژدی لاینحل هویت ملی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷.
۶. شفایی، امان‌الله (۱۳۸۸)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی منطقه قفقاز»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۸: صص ۱۸۰-۱۵۵.
۷. کاظم‌زاده، حسین، ۱۳۷۴، قفقاز از دیرباز تا به امروز، تهران، انتشارات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
۸. مهدی زاد، غلامرضا، ۱۳۸۸، آسیای مرکزی قفقاز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از <http://www.bashgah.net/pages-40500.html>
۹. موسوی، سید رسول، ۱۳۸۴، تحولات امنیتی و نظامی آسیای مرکزی و قفقاز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۹.
۱۰. مرتضویان، حسن، نظریه بازی‌ها و کاربرد آن در تحلیل روابط بین‌الملل، روابط بین‌الملل بهار و تابستان، ۱۳۵۴ شماره ۵، ۱۴۶-۱۱۴.
۱۱. یگانگی دستگردی، وحید، ۱۳۸۹، تئوری بازی‌ها (۱)، دانشنامه اقتصاد شهر، شماره هشتم، ۱۳۴-۱۴۱.

لاتین

1. Akiner, S. (2002). M. HOLT RUFFIN and DANIEL WAUGH (ed.): Civil society in Central Asia. ix, 331 pp. Seattle and London: Washington University Press with the Center for Civil Society International, The Central Asia-Caucasus Institute, Nitze School of Advanced International Studies, Johns Hopkins University, 1999. \$19.95 (paperback). *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 65(3), 561-648.

2. Buzan, B. (1998). Security, the State, the New World Order, and Beyond, in revista "On Security", Capitolul 7, Editura Ronne D. Lipschutz.
3. Buzan, B. (1991). New patterns of global security in the twenty-first century. *International affairs*, 67(3), 431-451.
4. Buzan, B. Weaver, O. (2003) *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Calabrese, J. (2016). *Revolutionary horizons: regional foreign policy in post-Khomeini Iran*. Springer...
6. Djalili, M. R. (2002). Iran and the Caucasus: Maintaining some pragmatism. *Connections*, 1(3), 49-58.
7. Ehteshami, A. (Ed). (1994). *From the Gulf to Central Asia: Players in the new great game*. University of Exeter Press.
8. Ehteshami, A. (2002) 'The Foreign Policy of Iran'. In R. Hinnebusch, A. Ehteshami (Eds) *The Foreign Policies of Middle East States*. Boulder, CO: Lynne Rienner, pp. 283-309.
9. Flanagan, S. J. (2013). The Turkey-Russia-Iran Nexus: Eurasian Power Dynamics. *The Washington Quarterly*, 36(1), 163-178.
10. Hooglund, E. (1994) 'Iran and Central Asia'. In A. Ehteshami (Ed) *From the Gulf to Central Asia: Players in the New Great Game*. Exeter: University of Exeter Press, pp. 114-129.
11. Herzig, E. (1999) *The New Caucasus: Armenia, Azerbaijan and Georgia*. London: Royal Institute of International Affairs.
12. Ismailov, E. & Papava, V. (2008). A new concept for the Caucasus. *Southeast European and Black Sea Studies*, 8(3), 283-298.
13. Javadi Arjmand, M. J. (2018). Iran and Turkey in the South Caucasus: Competition and Cooperation. *Journal of Iran and Central Eurasia Studies*, 1(1), 15-31.
14. Kouhi-Esfahani, M. (2019). *Iran's Foreign Policy in the South Caucasus: Relations with Azerbaijan and Armenia*. Routledge.
15. Kakachia, K. K. (2011). Challenges to the South Caucasus regional security aftermath of Russian-Georgian conflict: Hegemonic stability or new partnership. *Journal of Eurasian Studies*, 2(1), 15-20.
16. Koolae, E. & Hafezian, M. H. (2010). The Islamic Republic of Iran and the South Caucasus Republics. *Iranian Studies*, 43(3), 391-409.
17. Mozaffari, M. (Ed). (2016). *Security politics in the Commonwealth of Independent States: the Southern belt*. Springer.
18. Menashri, D. (1998) 'Iran and Central Asia: Radical Regime, Pragmatic Politics'. In D. Menashri (Ed) *Central Asia Meets the Middle East*. London: Frank Cass, pp. 73-95.
19. Marksberry, Brian Robret (2011), «Russian foreign policy in the south Caucasus», A thesis miami university
20. Mesbahi, M. (2001). Iran's Foreign Policy Toward Russia, Central Asia, and the Caucasus. In *Iran at the Crossroads* (pp. 149-174). Palgrave Macmillan, New York.
21. Omelicheva, M. Y. (2012). Russia's foreign policy toward Iran: a critical geopolitics perspective. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 14(3), 331-344.
22. Sadri, H. A. (2012) 'Iran and the Caucasus States in the 21st Century: A Study of Foreign Policy Goals and Means'. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 14, pp. 383-396.
23. Rudloff, P. (2013) 'Offensive Realism, Defensive Realism, and the Role of Constraints'. *The Midsouth Political Science Review*, 14, pp. 45-77.
24. Sadegh-Zadeh, K. (2008). Iran's strategy in the South Caucasus. *Caucasian Review of International Affairs*, 2(1), 35-41.
25. Shaffer, B. (2003). Iran's role in the South Caucasus and Caspian region: Diverging views of the US and Europe. *Iran and Its Neighbors. Diverging Views on a Strategic Region*, Berlin: SWP, 17-22.

26. Paul, A. (2015). Iran's Policy in the South Caucasus—Between Pragmatism and Realpolitik. *The South Caucasus*, 53.
27. Weitz, R. (2014) 'Azerbaijan's Regional Role: Iran and Beyond'. In *Azerbaijan and Its Neighbourhood in 2003–2013: Reforms, Development, and Future Perspective*. Baku, Azerbaijan: SAM (Centre), pp. 162–199.
28. Wendt, A. (1992) 'Anarchy Is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics'. *International Organization*, 46 (2), pp. 391–425.
29. Waltz, K. (1986) 'Reflections on Theory of International Politics: A Response to My Critics'. In R. O. Keahone (Ed) *Neorealism and Its Critics*. New York: Columbia University Press, pp. 322–345.
30. Yazdani, E. & Fallahi, E. (2016). Cooperation in Foreign Policy of Iran and Russia against East-West Axis in South Caucasus. *Central Eurasia Studies*, 9(2), 411-430.
31. Yazdani, E. & Fallahi, E. (2016). Cooperation in Foreign Policy of Iran and Russia against East-West Axis in South Caucasus. *Central Eurasia Studies*, 9(2), 411-430.

اینترنتی

1. <http://www.etomesto.rug>

